



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
معاونت بررسی‌های اقتصادی

ده پیش‌بینی اقتصادی مهم برای سال ۲۰۲۰



رشد اقتصاد جهان به طور قابل ملاحظه‌ای در سال ۲۰۱۹ تضعیف شد و از ۳,۲ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۲,۶ درصد در این سال رسید. در بسیاری از نقاط جهان، صنعت ساخت در رکود و یا نزدیک به آن بودند. مقصران اصلی این اتفاق، جنگ‌های تجاری و تضعیف رشد اقتصادی چین بودند. در پاسخ به این مسئله، بسیاری از بانک‌های مرکزی جهان شروع به تسهیل پولی کردند. برخی کشورها از جمله امریکا و چین، تحریک مالی بیش‌تری را فراهم کردند. در همین زمان، صادرکنندگان جهان، فعالیت‌های خود را بر اساس تعرفه‌های بالاتر تعدیل کردند و در نتیجه اثرات منفی جنگ تجاری بر تضعیف رشد اقتصادی، کوچک‌تر از تصورات قبلی بود. تا پایان سال ۲۰۱۹، بسیاری از شاخص‌های مدیران خرید موسسه IHS Markit به خصوص در بخش صنعت ساخت، شروع به تثبیت کردند که حاکی از کسب منافع کم‌تری است. انتظار می‌رود تا بعد از انتخابات ۲۰۲۰ امریکا، هرگونه تشدید در خصومت تجاری به اندازه‌ای که منجر به بروز آسیب جدی شود، غیرمحمتمل باشد. نقطه روشن در رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۰، استمرار افزایش مخارج مصرف‌کنندگان است که از افزایش رشد درآمد و کاهش قیمت نفت، بهره خواهند برد. در عین حال افزایش ارقام بدهی در جهان تهدیدی محسوب می‌شود. موسسه IHS Markit انتظار دارد که رشد اقتصادی جهان در نرخ ۲,۵ درصد در سال ۲۰۲۰، به ثبات برسد قبل از اینکه در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به نرخ ۲,۷ افزایش یابد. با وجود برخی شوک‌ها، ممکن است در سال ۲۰۲۰، شاهد برخی مظاهر جدید از پیشرفت در رشد اقتصادی باشیم.



۱۰ پیش‌بینی اقتصادی برای سال ۲۰۲۰

۱ رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا در سطح روند بلندمدت حدود ۲ درصد خواهد بود.

بر اساس برآوردهای مربوط به رشد پایدار نیروی کار و بهره‌وری، IHS Markit روند بلندمدت (یا پتانسیل) رشد اقتصاد ایالات متحده را حدود ۲ درصد ارزیابی می‌کند. طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی آمریکا بالاتر از روند بلندمدت (میانگین ۲٫۵ درصد) بوده که علت اصلی آن تحریک مالی است. با توجه به تضعیف تأثیرات تحریک مالی مزبور، رشد به روند بلندمدت قبلی خود بازگشته است. نرخ رشد اقتصادی آمریکا در فصل دوم و سوم ۲۰۱۹ به ترتیب ۲ درصد و ۲٫۱ درصد بود. برآورد می‌شود که نرخ رشد در فصل چهارم ۲۰۱۹ حتی ضعیف‌تر و حدود ۱٫۶ درصد باشد. این بدین معناست که برخی عوامل ویژه می‌توانند باعث تقویت رشد در نیمه نخست ۲۰۲۰ در آمریکا شوند؛ عامل نخست افزایش تولید در جنرال موتورز است که انتظار می‌رود باعث افزایش ۰٫۵ واحد درصدی رشد اقتصادی آمریکا در فصل اول ۲۰۲۰ شود و عامل دوم؛ از سرگیری مجدد خط تولید بوئینگ MAX ۷۳۷ در آوریل ۲۰۲۰ است که می‌تواند موجب افزایش ۰٫۳ واحد درصدی رشد اقتصادی آمریکا شود. اجرایی شدن فاز نخست موافقت تجاری با کشور چین هم ممکن است تا حدودی به بهبود رشد کمک کند. مخارج مصرف‌کنندگان که حدود ۷۰ درصد از اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهد تا حدود ۲٫۷ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد یافت که خود زمینه‌ای برای رشد بیشتر اقتصاد خواهد بود. انتظار می‌رود رشد اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۲۰ حدود ۲٫۱ درصد و در سال ۲۰۲۱ حدود ۲ درصد باشد و همچنین پیش‌بینی می‌شود میانگین رشد سالانه طی دو سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ حدود ۱٫۶ درصد باشد. با گرم شدن موضوع انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰، اتفاقاتی در حوزه برخی سیاست‌ها (هم منفی و هم مثبت) بروز خواهد یافت که می‌تواند بر چشم‌انداز هم اثرگذار باشد.

۲ اقتصاد اروپا به ثبات خواهد رسید و سپس کمی هم رونق خواهد یافت.

افت رشد اقتصادی در منطقه یورو در سال ۲۰۱۹ به ۱٫۲ درصد در مقایسه با رشد ۱٫۹ درصدی در سال ۲۰۱۸، زنگ هشدار بود که برخی از اقتصادهای بزرگ منطقه (به ویژه آلمان و ایتالیا) به مرز رکود نزدیک شدند. با این اوصاف، برخی علائم همچنان وجود دارند که می‌توانند اوضاع را بدتر کنند. در حالی که داده‌های سخت، سیگنال‌هایی متفاوتی را مخابره می‌کنند (تضعیف بخش کسب‌وکار در مقابل رشد پایدار مخارج مصرف‌کنندگان)، داده‌ها علائمی را در رابطه با نقطه عطف شرایط منعکس می‌کنند. بر اساس داده‌های IHS Markit شاخص مدیران خرید صنعت برای منطقه یورو کمی افزایش یافته (در بخش سفارشات جدید و صادرات) در حالی که همین شاخص برای بخش خدمات، تضعیف شده است. در فصل سوم ۲۰۱۹، رشد مصرف بخش خصوصی در این منطقه، در مقایسه با فصل قبل همین سال، ۰٫۵ درصد

معاونت بررسی های اقتصادی

اعلام شده که بالاترین نرخ رشد فصلی طی دو سال گذشته است. تورم پایین و شرایط تسهیل گر مالی (از جمله افزایش رشد تامین مالی و افزایش قیمت دارایی ها) موجب خواهد شد تا از رشد مخارج مصرف کنندگان در سال ۲۰۲۰، پشتیبانی کند. موسسه IHS Markit پیش بینی می کند که رشد منطقه یورو در سال ۲۰۲۰ در سطح ۰٫۹ درصد باشد و بعد از آن در سال ۲۰۲۱، با کمی بهبود به ۱٫۱ درصد برسد. در حالی که نتایج انتخابات انگلیس، این احتمال را ایجاد می کند که در سال ۲۰۲۰ برخی عدم قطعیت های مربوط به برگزیت به پایان برسد ولی همچنان تلاش سختی در این خصوص در جریان است و پیش بینی می شود رشد اقتصادی منطقه یورو از ۱٫۲ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۰٫۶ درصد در سال ۲۰۲۰ و در سال ۲۰۲۱ با کمی بهبود به ۰٫۸ درصد برسد.

۳

رشد اقتصادی پسا مالیاتی ژاپن، با تحریک مالی بیش تر، همراه خواهد شد.

رشد اقتصادی ژاپن در سال ۲۰۱۹ شتاب گرفت و از ۰٫۳ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۱٫۱ درصد در سال ۲۰۱۹ رسید. انتظار می رود رشد اقتصادی این کشور در فصل چهارم ۲۰۱۹ به علت افزایش نرخ مالیات بر فروش در ماه اکتبر ۲۰۱۹ از ۸ درصد به ۱۰ درصد، منفی شود. از نتایج افزایش مالیات مزبور، افت شدید ۷٫۱ درصدی در میزان فروش خرده فروشی در ماه اکتبر بود که بیش ترین آسیب بر فروش خودرو وارد شد. پاسخ سیاستی دولت آبه به این اتفاق، معرفی بسته مالی ۱۵ ماهه ۱۲۰ میلیارد دلاری بود که در مقایسه با اقدام مشابه قبلی در سال ۲۰۱۲، بالاترین رقم مالی را دربر گرفته است. در نظر است منابع مالی مزبور برای به روزرسانی زیرساخت ها، سرمایه گذاری در فناوری های جدید و جبران آسیب وارده از طوفان های گرمسیری، مصرف شود. در حالی که روشن نیست چقدر از این منابع، جدید هستند و همچنین چقدر از آنها به مصرف خواهد رسید، این انتظار وجود دارد که برخی از تاثیرات منفی افزایش مالیات را جبران کند. یکی از اخبار خوب در رابطه با اقتصاد ژاپن این است که افزایش نرخ مالیات فروش می تواند به تثبیت نسبت بدهی دولت که در حال حاضر بالاترین رقم در جهان است، کمک کند. بعلاوه، این احتمال وجود دارد که به طور موقت رشد اقتصادی ژاپن منفی شود زیرا افزایش اشتغال و تورم پایین باعث افزایش اعتماد به مصرف با وجود نرخ بالاتر مالیات بر فروش خواهد شد. در مجموع انتظار می رود رشد اقتصادی ژاپن بعد از افت به ۰٫۳ درصد در سال ۲۰۲۰، در سال ۲۰۲۱ کمی بهبود یافته و به ۰٫۵ درصد برسد.

۴

رشد اقتصادی چین به کمتر از ۶٫۰ درصد خواهد رسید.

از سال ۲۰۱۰ (زمانی که نرخ رشد اقتصادی چین ۱۰٫۶ درصد بود) به بعد، رشد اقتصادی این کشور به طور پیوسته کاهش یافته است. انتظار رشد اقتصادی ۶٫۲ درصدی چین برای سال ۲۰۱۹ به معنی تحقق کمترین نرخ رشد در این کشور از سال ۱۹۹۰ تاکنون است. در حالی که برخی افت رشد اقتصادی چین را به جنگ تجاری امریکا و چین نسبت می دهند ولی باید یادآوری کرد که کاهش سرعت رشد اقتصادی چین طی دهه اخیر، نتیجه توام تغییرات ساختاری و عوامل

معاونت بررسی های اقتصادی

چرخه‌ای است. پیرشدن جمعیت و افت شدید در رشد بهره‌وری به این معنی است که پتانسیل رشد چین کم‌تر از یک دهه قبل است و انتظار افت بیش‌تر آن نیز هست. از زمان بروز بحران‌های مالی در ده سال قبل، افزایش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی چین از حدود ۱۵۰ درصد در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۶۰ درصد در سال ۲۰۱۹ که عمدتاً به دلیل افزایش پرداخت تسهیلات به بنگاه‌ها و اخیراً به خانوارها بوده، دست سیاست‌گزاران را برای کمک مالی، بسته است. تلاش برای اصلاح اقتصاد از طریق حذف بانک‌های سایه، فقط تا حدود کمی موفق بوده ضمن اینکه به بهای رشد اقتصادی انجام شده است. سیاست‌گزاران چینی درصدد تعادل بخشی به این شرایط هستند؛ از سویی نسبت بدهی را کاهش خواهند داد یا حداقل از افزایش بیش‌تر آن جلوگیری خواهند کرد و در عین حال به اندازه کافی اقتصاد را تحریک خواهند کرد تا از افت بیش‌تر رشد اقتصادی جلوگیری کنند. موسسه IHS Markit پیش‌بینی می‌کند که نرخ رشد اقتصادی چین، افت بیش‌تری خواهد داشت و به ۵٫۸ درصد در سال ۲۰۲۰ و ۵٫۶ درصد در سال ۲۰۲۱، خواهد رسید مگر اینکه دولت این کشور برنامه تحریک مالی گسترده‌تر و بیش‌تری را اعمال کند.

با رسیدن بدهی به حداکثرهای جدید، اقتصادهای نوظهور بدون پیشرفت، همچنان فعال خواهند بود.

دهه گذشته، با اقتصادهای نوظهور، همراهی نکرده است. با وجود برخی رشدهای قابل توجه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، رشد اقتصادهای نوظهور از میانگین ۷٫۳ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۴٫۱ درصد در سال ۲۰۱۹ رسید. هم‌زمان با افت رشد بلندمدت چین، اقتصادهای نوظهور با دو بادمخالف در مسیر رشد خود مواجه شدند؛ توسعه بی‌رونق اقتصادهای توسعه یافته و افت قیمت کالاهای اساسی. رشد سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ اقتصادهای نوظهور، توسط افزایش قیمت کالاهای اساسی، قابل توضیح است. پیش‌بینی می‌شود بهبود وضعیت اقتصادهای توسعه یافته طی سال‌های آینده، شکننده باشد در حالی که انتظار می‌رود حداقل در کوتاه‌مدت، افت داشته باشد. همراه با تشدید جنگ تجاری و استمرار افت رشد اقتصادی در چین، فضای کمی برای رشد بیش‌تر اقتصادهای نوظهور در سال ۲۰۲۰ وجود خواهد داشت. برخی مسائل داخلی مانند شورش در امریکای لاتین یا افت قابل ملاحظه رشد هند، نگران‌کننده هستند. نگرانی دیگر رشد بالای بدهی در اقتصادهای نوظهور و رسیدن به رکورد جدید است که پایین بودن نرخ بهره جهانی هم بر شدت آن افزوده است. این مسئله جزو تهدیدهای میان تا بلندمدت اقتصادهای نوظهور است که در زمانی که نرخ‌های بهره شروع به افزایش کنند، می‌تواند تبدیل به یک مشکل قابل توجه شود. در عین حال، در صورت نیاز، بانک‌های مرکزی در اقتصادهای نوظهور فضای بیش‌تری برای کاهش نرخ‌های بهره دارند.

بهای کالاهای اساسی روند نزولی خواهد داشت.

نیروهای فشار و کشش در بازارهای اساسی همچنان نیروی مسلط در سال ۲۰۱۹ بود و به طور میانگین بهای کالاهای اساسی حدود ۶٫۵ درصد کاهش یافت. وفق شاخص قیمت مواد موسسه IHS Markit روند آتی قیمت کالاهای اساسی،



معاونت بررسی های اقتصادی

ملایم و افت قیمت بین ۳ تا ۳,۵ درصد در سال خواهند داشت. در سال آینده شاهد تغییری در بازار این کالاها خواهیم بود، در حالی که از اوایل سال ۲۰۱۸ رشد تقاضا کاهش یافته، رشد تولید هم در خلال سال ۲۰۱۹، افت کرد و شرایط بازار در بسیاری از صنایع، تنگ شد. در سال ۲۰۲۰، بهبود در بنیانهای بازار به تدریج ظاهر خواهند شد. تضعیف بازار در دو فصل اول ۲۰۲۰ روی خواهد داد و بعد از آن قیمت‌ها به ثبات رسیده و یا حتی برای برخی کالاها، قیمت در نیمه دوم سال افزایش هم خواهد داشت. یکی از کالاهای مهم، نفت است. در سال ۲۰۱۹ بازار نفت تحت تاثیر تضعیف رشد اقتصاد جهان، کاهش تولید اوپک، افزایش تولید کشورهای غیراوپک، آسیب دیدن تجهیزات نفتی عربستان سعودی و جنگ تجاری، قرار گرفت. برآیند اثرات مزبور موجب افت قیمت نفت برنت از ۶۸ دلار در هر بشکه در فصل چهارم سال ۲۰۱۸ به ۶۴ دلار در هر بشکه در دسامبر ۲۰۱۹ شد. موسسه IHS Markit پیش‌بینی می‌کند که بهای نفت برنت در سال ۲۰۲۰ کاهش یابد و به ۵۷ دلار در هر بشکه برسد زیرا رشد تولید در کشورهای غیراوپک و افت تقاضا، موجب شکل‌گیری مازاد عرضه در این بازار خواهد شد و در نتیجه قیمت کاهش می‌یابد.

تورم مهارشده خواهد بود.

۷

نرخ تورم جهان از ۴,۱ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۲,۰ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت. سپس به تدریج افزایش یافت و در سال ۲۰۱۸ به ۲,۸ درصد رسید که در سال ۲۰۱۹ به ۲,۶ درصد افت کرد. بخشی از نوسانات نرخ تورم در جهان ناشی از نوسانات نرخ افزایش قیمت در اقتصادهای توسعه یافته است زیرا در اقتصادهای نوظهور، تورم از ثبات بیشتری برخوردار است. برخی از دلایل نوسان مزبور ناشی از تغییرات قیمت نفت و سایر کالاهای اساسی است. شواهد اخیر حاکی از افزایش قیمت و نرخ دستمزدها در اقتصادهای توسعه یافته است و در مقابل احتمال افت قیمت، بعید بنظر می‌رسد لذا انتظار می‌رود که نرخ تورم جهان در سال ۲۰۲۰ در حد ۲,۶ درصد باشد. ممکن است از شتاب افت رشد اقتصادی جهان کاسته شود ولی در آینده نزدیک شاهد شتاب‌بخشی رشد اقتصاد جهان نخواهیم بود. به طور مشابه افت قیمت کالاهای اساسی، فشار رو به پایینی را بر تورم وارد خواهد کرد. دلار قوی آمریکا هم نقش عامل ضدتورمی اضافی، خواهد داشت. در اقتصادهای نوظهور، کاهش رشد، باعث کنترل تورم خواهد شد مگر اینکه اتفاقی در رابطه با تضعیف شدید ارزش پول ملی صورت گیرد. یکی از پتانسیل‌های رشد تورم جهان، جنگ تجاری آمریکا و چین است. تعرفه‌ها باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی شده و در نتیجه بر افزایش تورم اثر خواهد گذاشت. با این وجود، برخی از واردکنندگان درصدد جایگزین کردن برخی منابع خرید خود از کشورهایی هستند که هنوز تحت تاثیر تعرفه‌های بالاتر قرار نگرفته‌اند. در مجموع، تاکنون تاثیر جنگ تجاری بر تورم، ملایم بوده است.

احتمالاً چرخه تسهیل پولی جهان، پایان خواهد یافت.

۸

یک سال پیش، اکثر تحلیل‌گران پیش‌بینی کرده بودند که فدرال رزرو و سایر بانک‌های مرکزی نرخ‌های بهره را افزایش خواهند داد یا حداقل نرخ بهره را در یک سطح حداقل، نگه خواهند داشت. در شرایطی که وضعیت رشد، روشن نبود،

معاونت بررسی های اقتصادی

فدرال رزرو و سایر بانکها U-Turn را اجرا و اقدام به تسهیل پولی بیش تر کردند. در سال ۲۰۱۹، فدرال رزرو نرخ صندوق فدرال را سه بار کاهش داد در حالی که بانک مرکزی اروپا برنامه جدیدی را در رابطه با خرید اوراق شروع کرد و نرخ بهره را بیش تر کاهش داد. اکثر بانکهای مرکزی اقتصادهای نوظهور هم نرخهای سیاستی خود را کاهش دادند. تسهیل چرخه پولی در سال ۲۰۱۹ باعث شد تا کفی را برای رشد اقتصادی جهان تعیین کند. این بدین معناست که ممکن است در سال ۲۰۲۰ شاهد تغییراتی در تصمیمات مسئولان پولی در جهان باشیم. علائم رشد قوی در امریکا، باعث خواهد شد که مقامات پولی امریکا نیازی برای کاهش نرخ بهره نداشته باشند. موسسه IHS Markit بر این باور است که با احتمال بیش تر از ۵۰ درصد، فدرال رزرو نرخهای بهره را یک بار در پایان سال ۲۰۲۰ و دوباره در سال ۲۰۲۱، کاهش خواهد داد. افزایش اخیر نرخ بازدهی اوراق ده ساله خزانه داری امریکا، و عدم معکوس شدن نرخ بازدهی اوراق، این انتظار را ایجاد می کند که چشم انداز اقتصاد جهان، کمتر خطرناک خواهد بود و شاهد کاهش بیش تر نرخهای بهره نخواهیم بود. در حالی که چالش های پیش روی بانک مرکزی اروپا پیچیده تر شده، برخی نظرات مخالف قوی اخیر در رابطه با نرخ بهره منفی ممکن است دلالتی بر احتیاط در تسهیل پولی آتی باشد.

دلار امریکا کمی بیش تر قوی خواهد شد.

۹

بر مبنای نرخ واقعی موثر (تعدیل شده بر اساس تورم و تجارت موزون)، نرخ دلار امریکا از ابتدای سال ۲۰۱۸ تا پایان سال ۲۰۱۹ حدود ۹ درصد تقویت شده است. این امر ناشی از بهبود بنیانهای اقتصادی و تا حدودی دستکاری ارزی است. اقتصاد امریکا سریع تر از اقتصادهای توسعه یافته دیگر در حال رشد است و تفاوت نرخ بهره میان امریکا از سوی و اروپا و ژاپن از سوی دیگر موجب شده تا مطلوبیت و تسلط دلار را افزایش دهد. برگشت سبز، موجب شده تا موقعیت بهشت امن را برای امریکا بهبود دهد (همچون ین ژاپن و فرانک سوئیس). این بدین معنی است که هر زمان که سرمایه گذاران در رابطه با بازارها بیمناک می شوند به سمت خرید اوراق قرضه و سهام امریکایی، متمایل می شوند. تشدید جنگ تجاری، این موضوع را تقویت کرده و تلاش ها برای بهبود رقابت پذیری بنگاههای امریکایی از طریق افزایش تعرفه واردات را تضعیف کرده است. انتظار می رود در آینده این رویه ادامه داشته باشد اگرچه ممکن است کمی تضعیف شود. موسسه IHS Markit انتظار دارد که قبل از آغاز دوره بلندمدت بازسازی، ارزش دلار طی دو سال آینده، حدود ۳ درصد تقویت شود. همچنین پیش بینی می شود از نرخ رشد اقتصادی امریکا کاسته شود در حالی که رشد در سایر کشورها، بهبود خواهد یافت. در همین زمان، انتظار می رود که تفاوت نرخ بهره امریکا با سایر جهان، کم تر شود و کسری حساب جاری امریکا و خالص بدهی های خارجی آن، بدتر خواهد شد.

صرف نظر از سطوح بالای عدم قطعیت سیاستی، بروز رکود جزو سناریوهای احتمالی در سال ۲۰۲۰، نخواهد بود.

۱۰

واهمه بروز رکود در اوایل سال ۲۰۱۹، فراگیر بود. رشد صنعت ساخت در بسیاری از کشورهای جهان منفی شد. جنگ تجاری امریکا و چین تشدید و منحنی نرخ بازدهی، معکوس شد. تا تابستان ۲۰۱۹، موسسه IHS Markit ریسک بروز یک رکود در اقتصاد جهان را نزدیک ۳۰ درصد پیش بینی کرده بود. در هر حال، بنظر می رسد اقتصاد جهانی، از بروز رکود جان سالم بدر برد. فعالیت صنعت ساخت به شرایط سختی رسیده است. اغلب بانک های مرکزی جهان در حال تزریق نقدینگی هستند و شرایط تامین مالی تسهیل شده است. هم قیمت سهام و هم نرخ بازدهی در بازارهای اصلی افزایش یافته اند. همه اتفاقات فوق، نشان می دهد احتمال بروز رکود در اقتصاد امریکا و در جهان به ۲۰ درصد کاهش یابد. در عین حال ریسک ها در اقتصاد جهان همچنان نگران کننده هستند. در آینده نزدیک، بزرگ ترین تهدید، تشدید اختلافات تجاری امریکا و چین و یا توسعه آن به سایر کشورهای جهان به ویژه اروپا، خواهد بود. تهدید دیگر، پتانسیل اعمال یک خطای سیاست گذاری توسط بسیاری از دولت های جهان به خصوص در منطقه یورو، در زمینه تحریک مالی بیش تر است. این امر می تواند تبدیل به یک مشکل جدی در زمانی که رشد تضعیف می گردد، شود. در میان مدت، سطوح بالای بدهی در حال افزایش بنگاه ها، هم در اقتصادهای توسعه یافته و هم نوظهور، تهدید مهمی برای توسعه فعلی اقتصاد جهان به ویژه زمانی که نرخ های بهره افزایش می یابند، خواهد بود.